



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۰۶/۲۶/۲۰۲۲

محمد صالح گردش

## اشتهار شعر و شهر حافظ در زمان حیاتش<sup>۱</sup>

قسمت دوم (پایان)

اگر چه قبل از حافظ کسانی دیگر در اشعار خود از شیراز و اهل آن سخن گفته بودند ولی اشتهار شیراز و شیرازی ها در زیبایی و حسن کلام حافظ نهفته بوده است چنانکه در گفتگو میان تیمور و نظام الدین که اشاراتی به حُسن و زیبایی اهل شیراز می شود، نخست به یاد همان بیت بخشش سمرقند و بخارا به خال هندوی یارش، و هم این ابیاتش می افتیم: شیراز معدن لب لعلست است و کان حسن- من جوهری مفلسم ایرا مشوشم. درباره اهل با کمال شیراز:

به شیراز آی فیض روح قدسی- بجوی از مردم صاحب کمالش  
در مورد زیبایی آن شهر همین بس که:

شیراز و آب رکنی و این باد خوش نسیم- عیبش مکن که خال رخ هفت کشور است.  
این ابیات با ارزش تر و مؤثرتر از ده ها کتاب و رساله ایست که بتوان در اشتهار آن دیار و اهل آن نوشت. خود حافظ نیز در باره تأثیر کلام و شعرش می دانسته و یا این که از زبان اهل نقد و ادب آن زمان در باره شعرش شنفته بوده که گفته بود: دیدیم شعر دلکش حافظ به مدح شاه- یک بیت از این قصیده به از صد رساله بود و یا این که:

حافظ تو این سخن ز که آموختی که بخت- تعویذ کرد شعر تو را و به زر گرفت  
و در جای دیگر گوید:

خیال شاهی اگر نیست در سر حافظ- چرا به تیغ زبان عرصه بیان گیرد

حافظ بر علاوه سلاطین فارس با سلاطین و ملوک سرزمین های دیگر همان روز نیز مکاتبات و مراوداتی داشته است که این مورد نیز گواه شهرت حافظ در زمان حیاتش بوده می تواند. از جمله سلاطینی که حافظ با وی مراوده و مکاتبه داشت، یکی هم سلطان غیاث الدین بن سلطان اسکندر بنگالی بوده است. ر.ک: ( تاریخ ادبیات ایران)، گفته اند که سلطان غیاث- الدین، شاعران را به مشاعره دعوت نمود و با ارسال نامه یی از حافظ نیز خواسته شد تا در آن مشاعره شرکت جوید. اما حافظ بنا به معاذیری نتوانست شخصاً به هند برود ولی شعری را که به همان مناسبت سروده بود به بنگال فرستاد که حائز مقام نخست و اخذ جایزه از طرف سلطان مذکور گردید که مطلع آن غزل این است:

ساقی حدیث سرو و گل و لاله می رود- وین بحث با ثلاثه غساله می رود

بنا به قول «ویلهم بارلتد» امیر تیمور گورکانی دو بار شیراز را فتح نموده است: نخست در سال ۱۳۸۷ و سپس دو باره در سال ۱۳۹۳. (جغرافیای تاریخی ایران. ص ۱۹۵).

تیمور نیز در اثرش یادآور دوبار سفرش به شیراز گردیده است. یکی زمانی که به قصد جنگ و مصاف با منصور مظفری، شاه سرزمین فارس به آن دیار رفت و بار دیگر به خاطر انتقام جویی خون پسرش «شیخ عمر» که در دیار فارس کشته شده بود. در بار نخست سفر تیمور به شیراز، حضرت حافظ در قید حیات، ولی در بار دوم سفرش حضرت حافظ پدرود حیات نموده بود.

شهرت شعر حافظ در زمان حیاتش در ابیات زیر از خودش چنین بازتاب گردیده است:

حافظ حدیث سحر فریب خوشت رسید- تا حد مصر و چین و به اطراف روم و ری

در بیته دیگری گوید:

عراق و فارس گرفتی به شعر خوش حافظ- بیا که نوبت بغداد و وقت تبریزست

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

و هم این بیتش:

فکند زمزمه عشق در حجاز و عراق- نوای بانگ غزلهای حافظ از شیراز  
و حتا این‌که:

صبحدم از عرش می‌آمد خروشی عقل گفت- قدسیان گویی که شعر حافظ از برمی‌کنند  
در اخیر این مبحث، موضوع دیگری را نیز می‌باید افزود که شاعر شیرازی را گاهگاهی از شهر و دیارش ناراض و  
دل‌گرفته می‌بینیم و چنان می‌نماید که بعضی اوقات جریان و حوادث زندگی در آن شهر بر وفق مراد و خواستش نبوده‌است  
چنان‌که گوید:

ره نبردم به مقصود خود اندر شیراز- خرم آن روز که حافظ ره بغداد کشد  
و هم این بیت:

ما آزموده‌ایم درین شهر بخت خویش- بیرون کشید باید ازین ورطه رخت خویش  
در بیت دیگر از سرزمین سقله پرور فارس چنین می‌نالد:

آب و هوای فارس عجب سقله پرورست- کو هم‌رهی که خیمه ازین خاک برکنم  
از بیت زیر نیز مایوسیتش آشکار است:

از گل فارسیم غنچه عیثی نشگفت- حبذا دجله بغداد و می روحانی

پایان

منابع:

- <sup>۱</sup> گردش، محمد صالح. حافظ شاعر مداح و طماع. مزار شریف: مطبعه صورتگر، بهار ۱۳۹۶ خورشیدی
- گورکانی، تیمور. منم تیمور جانگشا. گردآورنده: مارسل بریون فرانسوی. ترجمه و اقتباس: ذبیح الله منصور. پشاور: انتشارات کتب، چاپ هفدهم، ۱۳۷۸
  - بارتلد، ویلم.
  - جغرافیای تاریخی ایران. ترجمه: همایون صنعتی زاده، تهران: ۱۳۷۷
  - براون، ادوارد. تاریخ ادبیات ایران (از سعدی تا جامی). ترجمه: علی اصغر حکمت. تهران: چاپ دوم، چاپخانه ابن سینا، ۱۳۹۹.
  - حافظ، شمس الدین محمد. دیوان. بر اساس نسخه خلخال، به کوشش به‌الدین خرمشاهی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دوستان ۱۳۷۹.